

## آسیب شناسی متون (۹)

انجام داده است به عیان می بینیم.

به نظر نگارنده صدور حکم صریح در مورد جوانب اعتقادی آثار پیش از سده هشتم تا حدی از احتیاط به دور است. چه بسا نویسندگانی با عقیده شیعی بودند که به اجبار و به دلیل جو زمانه نمی توانستند عقاید خود را مطرح کنند و یا مجبور بودند در کنار نام ائمه بزرگوار ما از دیگر صحابه نیز به نیکی یاد کنند. نمونه اش را در آثار شهردان بن ابی الخیر رازی یا صاحب مجمل التواریخ و القصص به خوبی می بینیم. دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران آنجا که از بسط قدرت شیعیان در سده هفتم و هشتم سخن می راند، مطلب جالبی را نقل می کند. وی می نویسد:

«تشیع در قرن هفتم و هشتم نه تنها راه قوت می پیمود، بلکه اهل سنت هم در ایران بر اثر ضعفی که بر مذاهب آنان دست داده بود، و با همه تعصب های پیشین، به طرف آن پیش می رفتند؛ یعنی در عین اعتقاد به خلافت شیخین و عثمان درباره مقام و مرتبت امامان اثنی عشری هم اعتقاد گونه بی می ورزیده و از آنان روایت می کرده و یاد در منقبت آنان سخن می گفته اند و حال آنکه این وضع را در دوران های پیش از قرن هفتم و هشتم به عکس می بینیم. یعنی بزرگان شعرا و مؤلفان شیعه را گاه می بینیم که در عین اعتقاد به امامت علی بن ابیطالب و بطلان خلافت شیخین باز از آنان به نیکی یاد می کنند.»

تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳/۱، ص ۱۴۳

به هر حال باید توجه داشت که بخشی از میراث مکتوب ما نگاشته نویسندگانی از اهل تسنن است و اتفاقاً مواضعی متعدد در میان نوشته های همین نویسندگان

چندی پیش مطلبی راجع به کتاب شرف النبی در صفحه آخر یکی از روزنامه ها منتشر شد و دغدغه ای که پیش آورد؛ راستش نگارنده نمی داند که نویسنده چند سطر مذکور بر اساس چه حساسیت هایی این موضوع را مطرح کرده بود. هر چند به نظر می رسد که نیت خیرناخواهانه ای در میان نبوده. اما به هر حال ذهنیتی که اینگونه نوشته ها ایجاد می کند، گاه زحمات چندین ساله و حتی نیت درست یک پژوهشگر را به آسانی تحت الشعاع قرار می دهد.

داستان از این قرار بود که ناشری در قم با جلدی نفیس و کاغذی شکیل به مناسبت نامگذاری سال پیامبر (ص) کتاب شرف النبی ترجمه خرگوشی را که استاد محمدروشن سالها پیش تصحیح و چاپ کرده بودند، با بازنگری مصحح اقدام به چاپ آن کرد، بی خبر از اینکه جمله ای جعلی و نادرست از قول امام علی - علیه السلام - در این کتاب مندرج است، که می بایست با توضیحی در مقدمه یا پاورقی ذهن خواننده متن روشن می شد کاری که این مرکز تاکنون در خصوص این مطالب نادرست تاریخی در مقدمه یا تعلیقات با مستندات تاریخی انجام داده است. ولی سرنوشته شرف النبی متفاوت بود و کتاب توفیق توزیع نیافت و ناشر دچار خسارت ملی گردید.

مرحوم علامه قزوینی در نوشته ای که برای وزارت فرهنگ آن روزگار راجع به کتاب های مهم فارسی - که نیاز به تصحیح آنها هست - نوشته اند، از این متن هم نام می برند و این نوشته شخصی است که قطعاً بیش از افرادی چون بنده دغدغه دفاع از اندیشه شیعی را داشته و نمونه هایش را در نامه ای که به علی اصغر حکمت راجع به پیدا شدن نسخه ای از کتاب النقض یا کاری که برای انتشار

دیده می‌شود که حاکی از ارادت کامل به خاندان نبوت و امامت است. برای نمونه چند مثال از استاد قصیده سرای سده ششم خاقانی شروانی را می‌آوریم:

چون جعفر صادق الکلام است

صد جعفر برمکش غلام است

تحفة العراقین، ص ۹۷

و آنگاه چون نقش تریب<sup>۱</sup> از کین

قتال حسین دانش و دین

همان، ص ۲۱۰

پس به کوفه مشهد پاک امیرالنحل<sup>۲</sup> را

همچو جیش نحل، جوش انسی و جان دیده‌اند

دیوان خاقانی، ص ۹۰

نمی‌دانم دیگران این عبارات را به چه تعبیر می‌کنند، ولی به نظر نگارنده گزاف نیست اگر این سراینده را شیعه بدانیم. آیا به صرف تصور بر این که فلان ادیب شیعه نیست می‌توان از این متون صرف‌نظر کرد؟ و آیا در این صورت از بخشی از میراث پنهان شیعه محروم نخواهیم ماند؟

اتفاقاً از جمله این نویسندگان یکی هم صاحب شرف‌النبی است. بر خلاف انتظار ناآشنایان با این متن باید بگوییم که این نوشته از معهود آثار آن روزگار است که یکی از پنجاه و هفت باب (یعنی باب بیست و هفتم، حدود ۳۳ صفحه متوالی) آن به ذکر فضیلت اهل‌البیت علیهم السلام<sup>۳</sup> اختصاص یافته و این علاوه بر مواضع دیگری است که به گونه‌ای به بزرگداشت ایشان پرداخته است. از خود متن مثال می‌آوریم:

«و آورده‌اند که چون حسین بن علی را - رضی الله عنهما - بکشند و عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - نوشته‌ای به یزید بن معاویه نوشت و مضمون آن بود که من امید می‌دارم که خدای تعالی ترا مهلت ندهد، پس از آنکه فرزند رسول را - علیه السلام - بکشتی و ترا در دنیا عمر اندک مانده باشد تا ترا بگیرد، گرفتنی سخت و ترا از دنیا بیرون برد خار و بزه‌مند. پس کشتن حسین را - رضی الله

عنه - سبب زوال ملک ایشان بود.»

شرف‌النبی، ص ۲۵۶، محمد روشن و ص ۲۶۲ مشترک

یا در چند سطر بعد آورده:

«امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - گفت در وصیت آخرین مسلمانان را در آن وقت که از زخمی که بر وی آمد از ابن ملجم - علیه اللعنه - بر شرف انتقال بود از دنیا به نعیم آخرت که: در میان شما فرزندان رسول اند - علیه السلام - که اگر شما متابعت ایشان را دست آویز خود سازید هرگز گمراه نشوید؛ از برای آنکه ایشانند داعیان بحق و ایشانند ناجیان راه هدی و ایشانند ارکان زمین و ایشانند ستارگان که بدیشان راه یابند از درختی که اصل و فرعش پاک است...»

شرف‌النبی، ص ۲۵۶، محمد روشن و ص ۲۶۳ مشترک

و بعد مواردی را در دفاع از خاندان نبوت ذکر می‌کند که نگارنده در هیچ‌کدام از آثار آن روزگار با چنین کثرتی از عبارات تکریم‌آمیز در مورد این خاندان گرامی مواجه نشده است. روزی که نگارنده با مقاله مذکور در آن روزنامه مواجه شد، بسیار برایش شگفت‌آور بود که چنین مطلبی در مورد این متن نگاشته شده، چرا که مدت‌ها از چاپ پیشین این کتاب استفاده کرده و هرگز با موارد مورد ادعای نویسنده آن ستون مواجه نشده بود. به هر حال بد نیست این را در نظر داشته باشیم که در برخورد با متون کهن اندکی سعه صدر لازم است و کمی مدارا و پرهیز از شتاب زدگی. چه هر قضیه‌ای را باید در ظرف زمانی آن موقع سنجید و سنجدیده درباره نوشته‌های گذشتگانمان داوری نکنیم.

#### پی نوشت:

۱. «تربید» را به تصحیف «یزید» به کار برده

۲. این لقب حضرت امام علی «ع» است.

۳. خاقانی در موضعی از مثنوی تحفة العراقین با شدت به طرفداران حسن صباح و اسماعیلیه می‌تازد و این امر به خوبی می‌رساند که اگر وی را شیعه بدانیم، قطعاً از اسماعیلیه تیوده.

۴. این عنوان باب مذکور است.



انتشارات میراثبان وابسته به مرکز پژوهشی میراث مکتوب به مناسبت سال پیامبر اعظم (ص) از مجموعه کارنامه دانشوران ایران و اسلام، تلخیص و باز نویسی شرف‌النبی را منتشر کرد.



گزارش میراث

دوره دوم، سال اول، شماره چهارم تا ششم، دی تا اسفند ۱۳۸۵